



فهرست مطالب

۲مقدمه
۲نظر استاد در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب: دلالت بالاطلاق
۲دو نکته مهم در تقریر استاد از دلالت بالاطلاق
۲نکته اول: نیاز به بیان زائد داشتن قید ترخیص
۳نکته دوم: در مقام بیان بودن
۳اصل در مقام قانون گذاری: در مقام بیان بودن
۳قول پنجم در وجه دلالت صیغه امر: کاشفیت عقلائیة
۳نقد قول پنجم
۴ثمره عملی داشتن بحث از وجه دلالت صیغه امر
۴جمع بندی مباحث
۴عدم اختصاص اکثر مباحث الفاظ به لغت عربی
۴استعمال جمله خبریه در مقام انشا



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بحث در مدلول صیغه امر بر وجوب است. در مدلول صیغه امر سه نظریه وجود دارد. عده‌ای قائل‌اند که صیغه امر نه دلالت بر وجوب و نه دلالت بر ندب می‌کند، عده‌ای قائل‌اند که صیغه امر دلالت بر ندب می‌کند و غالب متأخرین و معاصرین قائل‌اند که صیغه امر دلالت بر وجوب می‌کند. در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب نظریات مختلفی وجود دارد که عبارت‌اند از دلالت بالوضع، دلالت بالانصراف، دلالت بالعقل و دلالت بالاطلاق و مقدمات حکمت. البته در کلام مرحوم امام و مرحوم بروجردی به وجه و قول پنجمی به‌عنوان دلالت به نحو کاشفیت و اماریت عقلائی اشاره شده است.

نظر استاد در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب: دلالت بالاطلاق

در جلسه قبل قول چهارم در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب که دلالت بالاطلاق و مقدمات حکمت است را تقویت و پذیرفتیم.

دو نکته مهم در تقریر استاد از دلالت بالاطلاق

در تقریر ما از دلالت بالاطلاق و مقدمات حکمت دو نکته و مطلب اساسی وجود دارد.

نکته اول: نیاز به بیان زائد داشتن قید ترخیص

نکته اول این است که وجوب مجموعه مراتبی بود که قید عدم ترخیص در آن‌ها لحاظ شده است و ندب مجموعه مراتبی است که قید ترخیص در آن‌ها لحاظ شده است و هرگاه قید ترخیص در کلام نبود وجوب تعیین پیدا می‌کند چون قید ترخیص قید وجودی و نیاز به بیان زائد دارد اما عدم ترخیص قید عدمی و نیاز به بیان زائد ندارد و نتیجه اطلاق در این‌گونه موارد تعیین احد الاقسام است همان‌طور که نتیجه اطلاق در دوران بین توسلی و تعبدی، توسلی در دوران بین عینی و کفایی، عینی است در دوران بین تعیینی و تأخیری، تعیینی می‌باشد.



نکته دوم: در مقام بیان بودن

نکته دوم در تقریر این است که شارع در مقام بیان ترخیص یا عدم ترخیص باشد و الا اگر در مقام بیان ترخیص یا عدم ترخیص که همان ندب و وجوب است، نباشد و قصد شارع فقط بیان رجحان و حسن شی باشد، صیغه امر ظهور در هیچ یک از حکم وجوب یا استحباب ندارد. این مطلب شاهد بر این است که دلالت صیغه بر وجوب نه به وضع، نه به انصراف و نه به حکم عقل می باشد چون در مواردی که در مقام بیان نبوده است عقل یا وضع حکم بهش وجوب نمی کند، در صورتی که اگر دلالت صیغه امر به وضع یا حکم عقل بود در مواردی که در مقام بیان وجوب یا استحباب نبوده است حکم عقل و یا وضع به دلالت صیغه بر وجوب باید وجود می داشت. البته ناگفته نماند در مواردی که شارع در مقام بیان نباشد انجام فعل دارای رجحان و ثواب می باشد و در نتیجه با استحباب اشتراک دارد اما این مطلب با حکم به استحباب تفاوت دارد چون معنای حکم استحباب این است که این حکم مستحب است و لا غیر در صورتی که در اینجا این مطلب قابل احراز نیست.

اصل در مقام قانون گذاری: در مقام بیان بودن

البته به لحاظ صغروی اصل بر این است که شارع و مولایی که در مقام قانون گذاری است حتی در خطابات قرآنی که عده ای آن را استثنا کرده اند، در مقام بیان همه تفاسیر و جزئیات دخیل در حکم می باشد.

قول پنجم در وجه دلالت صیغه امر: کاشفیت عقلائی

قول پنجمی در وجه دلالت صیغه امر بر وجوب وجود دارد و مرحوم امام خمینی به آن اشاره کرده اند، این است که نفس صدور بعث از مولی عند العقلا کاشف از وجوب می باشد و این وجوب نه از وضع فهمیده می شود و از انصراف و نه از حکم عقل و از اطلاق و مقدمات حکمت.

نقد قول پنجم

این کاشفیت و اماریت عقلائیه وقتی ثابت است که شارع در مقام بیان باشد اما اگر شارع در مقام بیان نباشد، این کاشفیت و اماریت عقلائیه احراز نمی شود و عقلا حکم به دلالت صیغه امر بر وجوب نمی کنند پس کاشفیت در صورتی تام است که مقدمات حکمت تام باشد و این کاشفیت نیاز به مقدمات حکمت دارد.



ثمره عملی داشتن بحث از وجه دلالت صیغه امر

بحث از وجه دلالت صیغه امر بر وجوب ثمرات زیادی در فقه در مقام تعارض ظهورات دارد مثلاً اگر وجه دلالت صیغه امر را اطلاق دانستیم هرگاه این ظهور با دلالت‌های دیگری تعارض کند اگر منشأ دلالت‌های معارض وضع باشد، ظهورات و دلالت‌های بالوضع را مقدم می‌کنیم اما اگر منشأ دلالت‌های معارض اطلاق باشد، در بحث تعارض دو اطلاق مباحث زیادی وجود دارد که نظر عده‌ای این است که هر دو اطلاق تساقط می‌کنند.

جمع‌بندی مباحث

تاکنون در ذیل صیغه امر به دو بحث پرداختیم در بحث اول بیان کردیم که امر دال بر بعث است و دواعی خارج از موضوع له صیغه امر می‌باشند و اگر قرینه‌ای در کار نباشد صیغه امر ظهور در بعث حقیقی دارد و نتیجه بحث دوم این شد که اگر مولی در مقام بیان باشد به واسطه اصاله الاطلاق و مقدمات حکمت صیغه امر دلالت بر وجوب می‌کند.

عدم اختصاص اکثر مباحث الفاظ به لغت عربی

مباحث الفاظ در علم اصول از حیث اختصاص به لغت خاص یا عدم اختصاص به لغت خاص بر دو قسم است بعضی از مباحث اختصاص به لغت عربی دارد مانند بعضی از مباحث ظهورات لغوی اما اکثر مباحث اختصاص به لغت خاصی ندارند و بین زبان‌های مختلف مشترک هستند مانند مباحث مشتق مباحث صحیح و اعم یا مباحث اوامر و نواهی که اختصاص به لغت خاصی ندارد و در همه لغات این مباحث وجود دارد.

استعمال جمله خبریه در مقام انشا

یکی از مباحثی که در زبان عرب و غیر زبان عرب وجود دارد بکار بردن جمله‌های خبریه در مقام انشاء است که البته در زبان عربی خیلی رواج دارد مانند فعل مضارع که جمله خبریه است و در مقام انشا به کار می‌رود که این نوع استعمال در روایات مصادیق فراوانی دارد مانند یعید الصلوه که امام صیغه مضارع را در طلب و بعث به کار می‌برد و یا در مواردی فعل ماضی در مقام طلب و بعث به کار می‌رود. در ذیل این مسئله دو جهت بحث وجود دارد.



۱. جهت اول بحث در کیفیت این نوع استعمال و وجه صدور انشا از جمله خبریه است و در اصل استعمال آن شکی نیست و اگر شخصی در این نوع استعمال تردید کند، جمع کثیری از روایات را باید کنار بگذارد البته به صورت کلی می‌توان گفت دو دیدگاه در اینجا وجود دارد یک دیدگاه این است که جمله خبریه در انشا استعمال شده است و یک دیدگاه این است که جمله خبریه در انشا استعمال نشده است بلکه داعی از جمله خبریه انشا است.

۲. جهت دوم در دلالت این جمل خبریه بر وجوب می‌باشد.